

چه کسی با آمریکا مذاکره می کند؟

درست دو هفته پیش، روزنامه «الزمان» در همان روزی که به نقل از منابع نامشخص عرب خبر می داد سلیمان ابوغیث سخنگوی سازمان القاعده در ایران است تا اروپا و آمریکا را تحریک و بر سر ایران آوار کند، این خبر را هم به نقل از «یک مقام آگاه نزدیک به محافل محافظه کار» می داد که سعید حجاریان از شورای شهر استعفا کرده است تا به بهانه درمان به آمریکا برود و با آمریکایی ها مذاکره کند.

کسی خبر الزمان را جدی نگرفت. حجاریان در

اعتراض به رفتار برخی نمایندگان شورای شهر استعفا کرده بود، به رغم اصرار برای آنکه درمان خود را دوباره در خارج از کشور دنبال کند حاضر به ترک کشور نیست و برخلاف آنکه برخی فکر می کنند، کسانی که در عطش مذاکره با آمریکایی ها به سر می برند دوستان و همکاران خاتمی نیستند؛ در حالی که عباس عبدی معتقد است برقراری رابطه و مذاکره با آمریکایی ها برای اصلاحات در ایران نه ممکن است و نه مفید (دلایلش فعلاً مورد بحث نیست)، برخی از عناصر مصلحت گرا در ایران معتقدند اگر آمریکا حدود

۲/۲ میلیارد دلار دارایی بلوکه شده ایران را آزاد کند، حسن نیت خود را برای آنکه ایرانی ها بپذیرند با او سر میز مذاکره بنشینند ثابت کرده است.

در آخرین روز بهمن ماه، یکی از مقامات ارشد همراهی کننده بوش در سفر به ژاپن، به خبرگزاری فرانسه گفت بوش از ژاپنی ها خواسته است در تشخیص موقعیت نیروها در ایران به آمریکا کمک کنند. به گفته این مقام، جورج بوش از نخست وزیر ژاپن خواسته بود
بقیه در صفحه ۲

چه کسی با آمریکا مذاکره می کند؟

پایه از صفحه اول

باتوجه به روابط خود خوب باایران، برای اوروشن سازد قدرت واقعی سیاسی در دست چه جناحی از جناح های سیاسی ایران است. اضافه شده بود که تحلیل آمریکا از وضعیت قدرت های سیاسی ایران، تعیین کننده استراتژی آینده آمریکا در قبال ایران است. تفسیر خبر گزاری فرانسه این بود که در صورتی که مشخص شود قدرت واقعی سیاسی در ایران در دست جناح محافظه گرا است، ممکن است بوش سیاست مستخفیگانه ای علیه ایران اتخاذ کند. در ایران، بسیاری به این خبر که در صدر برخی اخبار ویژه قرار گرفته بود توجه نکردند ولی برخی در مورد آن سخت به اندیشه افتادند. این گروه، صحنه گردان اصلی عرصه سیاست در ایران بودند و در واقع، طی ده روز گذشته، چراغ دریایی برخی از تحركات سیاسی، پیام مستر برای آنها در همین خبر بوده است. آمریکایی ها در هفته های اخیر این علامت را به کرات به ایران ارسال کرده اند، هر چند ذکر معنای بسیاری از این مورش ها، سیاسی را به دیگران وا گذاشته اند. البته بوش با حمله به بخش غیر انتصابی جمهوری اسلامی سبب دستپاچگی بخشی از سیاستمداران شد و این تصور اشتباه را نزد آنان پدید آورد که گویا آمریکا نگران مداخله ای در ایران است و اگر حکومت دکارتیک یکدستی در ایران بر آید و آزادی های سیاسی و اجتماعی برقرار باشد، آمریکاییان هیچ مشکلی نخواهد داشت و چنانچه جناح محافظه کار قدرت واقعی سیاسی را در دست داشته باشد ایالات متحده ایران وارد جنگ خواهد شد تا نظام را طبق میل خود اصلاح کنند. اما برای بسیاری از سیاسیون ایران این توهم که ایالات متحده علاقه مند به وجود رژیم های مردم سالار معقول و ملایم و نجیب است در مدتها پیش از این، رفع شده است. بهترین دوستان ایالات متحده در نیمه دوم قرن گذشته همواره نامحبوب ترین رژیم های سرکوب گر و غیردمکرات بوده اند (ایران، پهلوی، نیکاراگوا، سومو، مصر، سادات، اردن، ملک حسین، پاکستان، ژنرال ها و ژنرال های آمریکایی لاتین، شیوخ و پادشاهان کشورهای عربی ...) اما وحشت از اینکه میباید ایالات متحده این یک مرتبه را در دست بگیرد و واقعاً برایش قرض کند، که سوسی حفظ منافع ملی است - در ایران چه گروهی حمایت می کند، سبب تحركاتی شده است: گروهی معتقدند باید با ایالات متحده ثابت شود محافظه کاران حاکمیت دارند ولی بنابرین آمریکا باید برای حل مشکلتش با ایران فقط در دست بگیرد وگو با آنها نباشد و با همین دلیل بدست به حرکات تند تحریک کننده می زند و گروهی که میله رها، سیلیون و غلای محافظه کار محسوب می شوند علاقه مند به نمایش آمادگی برای در پیش گرفتن رفتار معقول و مورد نظر و پسند جامعه جهانی و آمریکا از کار در آمده اند. برای آمادگی برای رفع سوء تفاهم، ایالات متحده و شرط گذاشتن های اخیر در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

آنچه سبب کمی تعجیل و یکباره به میدان آمدن سخنگویان سنتی محافظه کار در زمینه مسائل خارجی شد، تأکید دوباره آمریکایی ها بر چیزی بود که آقای عسگر اولادی به درستی آن را افشار آمریکایی بوش پذیرش مذاکره از طریق تهدیدات برای ارزیابی کرده است. ظاهراً گزارش روزنامه شیکاگو تریبون که گویا سازمان های خبری ایران آن را به موقع به اطلاع مقامات ایرانی رساندند تغییر اخبار روزانی از زبان رادوچندان ساخت یک مشاور کاش سفید به شرط افشا نشدن نامش در اولین روز ماه جاری به این روزنامه گفت: «بوش در سفر خود به آسیا از زاین خواست پیامی برای اعضای

اصلاح طلب دولت، ایران فرستد. بوش به زاینی ها گفت که می داند دارای روابط دیپلماتیک حسنه با ایران هستند. بوش از آنها خواست برای ایرانی ها روشن سازند آمریکا در مورد ایران جدی است» این مشاور که به دلایلی به نظر می رسد کونولیز اوایس مشاور سرخشت خجسته ملی بوش شاید یک سال پیش نیویورک تایمز زن آب زیر کاه راه ماه پس از به عهده گرفتن سمت مشاورت امنیت ملی کسی دلسته بود که از زبان مواضع واقعی خود اجتناب می کند» اضافه کرده بود بوش به زاینی ها گفت: «ما با شما دوست هستیم» بوش به زاینی ها، نگرانی ما را به جناحی که به نظر منطقی تر می رسد ابلاغ کند».

فقط اف هن می داند اگر کسی نگران رسیدن پیام های مقدمه ای برای شروع مذاکره با بخشی از یک نظام مذاکره ای که گویا حذف کننده دیگران ارزیابی می شود. باشد از شنیدن چنین خبری به چه موروری می افتد. به نظر می رسد در ایران، عدلی نگران این هستند که وجهه سیاسی آنها تحت شرایطی در لبنان و با اسطغی یک ای دولت های دوست، بر سر تکیه ای نظام با ایالات متحده معامله کند. سه روز بعد از اخبار شیکاگو تریون یکی از نویسندگان روزنامه رسالت این تصور را به زاینی ها و باضمین ویژه سبب در ایران، به تصویر کشید و دعوت کرد که نهی درستی را مطرح به می ساخت: «رقیب اصلاح طلب خود را تویجا متهم کرده تا به وجهه یکانه کنبران قائل حوصله بسیار شنایده هست. احتمال راوری آنان به ساختن خجسته قدرت و کم کردن از بیگانگان برای اعمال نفوذ مستقیم در تحولات داخلی شدت می گیرد. به ویژه در شرایط اخیر که تهدیدهای بوش برای حمله به ایران افزایش یافته است، این احتمال که این گروه از اصلاح طلبان خود را در جهت پیشبرد امر یکتازیک دیگر تأییدین ترتیب بر معادلات سیاسی موجود تأیر بگذارند افزایش یافته است. تحلیل سیرادرستی بود که فقط یک نقطه ضعف دلالت دلیلی برای اثبات این فرضیه نکرده بود که چرا گروه توصیف شده متحلیل اصلاح طلب خود را از امرای گروه رقیب مقابل آن نیستند. همه را به این تلقی ها از حرف های خوشنوت بار آمریکا که با پالس های مبتنی بر آمادگی برای گفت و گو - حداقل از طریق رابط - هموز داشته است تلقی های دیگری وجود داشته است. سناریوی دومی را مطرح می سازند از نگاه برخی، آمریکا در انجام عملیاتی علیه ایران جدی است و اگر جدی نباشد باید به طریقی جلدی اش کرد - و این عملیاتی می تواند فرصتی برای تغییر مورانه نیرو و جابجایی هفتت آنها فراهم کند. تفسیرهایی که در هفته های اخیر در مورد فشار گروهی برای اعلام حالت فوق العاده - که در آن «امنیت و بقا بر سایر نیازها اولویت بیشتری می یابند» - پدید آمد و با انگیزه هایی که در پس تهدیدهای خیلی تند برخی مقامات نظامی علیه منافع آمریکا خوانده شده، از کلاس تلقی های نوع دوم در زمینه عواض تهدیدهای آمریکا محسوب می شوند. بحث های مربوط به موضوع اخیر، طی دو هفته گذشته آن قدر جدی و نظر گیر بوده که اجازه نگاه دقیق تر به بخش های لطیف تر دعوی ایران و ایالات متحده را نداشته است. بسیاری فکر کرده اند بر خوردی بین ایران و ایالات متحده تنها می آید که دیگری چشم انداز و احتمالش می تواند سبب پدید آمدن حالت فوق العاده رفتن همه قوا به زیر بلیت مقررات شورای امنیت ملی، محدود شدن آزادی های اجتماعی و انتشار روزنامه ها و کاهش تحرک سیاسی بشود و از دل آن تغییراتی اساسی در موازنه نیروهای سیاسی موجود درآید. در هفته گذشته بخش عمده تلاش اصلاح طلبان صرف هشدار دادن در مورد

این احتمال بوده البته از جانب بخشی از جناح مقابل نیز همراهی هایی یافت. یکی از نویسندگان روزنامه رسالت در آخرین روز هفته این پرسش را مطرح ساخت که آیا وضعیت فوق العاده فرا رسیده و جناح متقدم بدان بسان یک فرصت برای حذف رقیب می گردد؟ اما ضمن پاسخ به این پرسش خود اضافه کرده بود «همه ایران این فرصت طلبی بر آنم که هر فرد در جریانی که به وضعیت فوق العاده احتمالی به مثابه فرصت بنگرد، بدون شک خائن به منافع ملی خواهد بود» در کنار این واقعیتی، عدلی زاینی به فکر رفتارهای واقف لطیف تر و سوار شدن بر میانی غیر خشن روابط ایران و آمریکا افتادند. در همان روز تحریر عبارات نویسنده روزنامه رسالت آقای هاشمی رفسنجانی نشان داد گروه سومی در مقابل ایالات متحده واقعا وجود دارد: «مسئله آمریکا قابل حل است و من این موضوع را به طور مشخص به ما به ناختی نگاه داشته باید دید آن را دلیل حسن نیت شما می دانیم... در صورت برگرداندن این پول هاست که می شود با شما برای حل مشکلات حرف زد» آقای هاشمی رفسنجانی افزوده بود «اولین سیاست من در زمان ریاست جمهوری ام تشنج زدایی بوده و این حرف و تألیدی بود بر این برداشت سرمقاله روزنامه رسالت در دو هفته پیش که تشنج زدایی در سیاست خارجی را رویکردی داشته بود که پایه گذار آن آقای رفسنجانی است. به این ترتیب می توان پذیرفت به جز اصلاح طلبان که سیاست پیگیر تشنج زدایانه آنها اتهام ستون پنجمی آمریکا را برایشان بر امرغان آورده، کسان دیگری هم که حاضرند به صورت نظامدار و در چارچوب سیاست تشنج زدایی با آمریکا ها «حرف بزنند» در این کشور وجود دارند. گروه سوم، احتمالا همین گروه خواهد بود و البته باید دید سیر حوادث و شاکله کلی کشور در نهات ترخج خواهد داد کدام گروه با آمریکا وارد مذاکره شود و حرف بزند.

بر اساس اطلاعات موجود احتمال دارد در پس دعوی جاری با ایالات متحده سه گروه به عنوان طرف مقابل آمریکایی ها واقع شوند: گروه سوم به عنوان طلب که به نظر می رسد به رغم ابرام میل به تشنج زدایی با جهان خارج و برقراری رابطه با همه کشورهای جهان - بجز اسرائیل - کام بر داشتن به سوی ایالات متحده را در شرایط کنونی به مصطلحت ملی نجام دهد. عباس عدلی، از افراد موثر و آزاد این جناح که معمولاً با صراحت سخن می گوید و ملاحظات ویژه ای ندارد هفته گذشته برای چندمین بار گفته است «روابط با آمریکا در شرایط کنونی نه ممکن است و نه مفید...» به عقیده این گروه از اصلاح طلبان، این تصور که هر کس رابطه ایران با ایالات متحده را برقرار کند حکومت همیشگی را به غنیمت خواهد گرفت اشتباه است و وضعیت اجتماعی کشور و خواست ها و مطالبات مردم به گونه ای است که فقط یک نظام مردم سالار، معتقد به آزادی و دارای روابط بین المللی معقول و مبتنی بر حفظ منافع ملی می تواند از قوام و بقا برخوردار باشد. به انگار عدلی، برقراری روابط با ایالات متحده مفید نیست از اقلیت از تر دبان آمریکا

بالا می روند اما اکثریت نیازی به این تردید ندارند و حرف آخر اینکه از مانی به همکاری با آمریکا موافق هستیم که مذاکره کننده با آمریکا نماینده ملت باشند نه نماینده کالیته» از نگاه این گروه، تشنج زدایی با جهان و به ویژه اروپا در سطح فعلی تضمین بهتری را نشستن بدون آمریکا بسان مطمئن تر است. آمریکایی هاست، هر چند در ظاهر به نظر می رسد چنانچه ایران مسائل خود را با آمریکایی هاوارا حل کند مشکلتش نیز فوراً حل خواهد شد.

۲. خشن واقع بین جناح موسوم به محافظه کار معتقد است چنانچه بتوان با آمریکا معامله ای انجام داد و طرف مذاکره اش قرار گرفت، امتیازی بزرگ کسب شده است و این امر از پدید آمدن یک رویارویی تازه نظامی اما محدود بین ایران و آمریکا بسان مطمئن تر است. مشکل این بخش آن است که فکر می کند این مذاکره حتی می تواند توسط بخشی از نظام و دوازده چشم دیگران بایی همراهی آنها پیش برده شود و موقعیت آمیز نیز از کار درآید. از همین رو علانیته این گروه و رفتار آن به پرسش می آید که ترسش از رفتار تشنج زدایانه رقیب به نمایش می گذارد و میل به نمایش اینکه در این زمینه تعیین کننده اصلی است و بی همراهی دیگران نیز از پس این کاربری می آید در فشارش به چشم می آید. امیر محیجان روز پنجشنبه با یک عهده عقل حکم می کند نخیشان ایرانی در شرایط بحرانی بلوغ سیاسی نشان دهند و برای گذران کشور به منزل امن از طریق «وحالت مدیریت و اولویت دادن به منافع ایران و عزت ملی فراتر از هر مصلحتی» عمل کنند، در مورد ترسش از هر هشدار داده خوشتران شده بود که بخشی از نظام تصور حضور فردی و انحصاری در عرصه خارجی را از ذهن بیرون کند. آقای هاشمی رفسنجانی در زمینه خود به نمایش اینکه در این مورد تعیین کننده اصلی تکلف جایی غیاز از مجامع رسمی دولتی است اظهار دلانست، بخش مدیریتی نظام به عنوان «نیاسواری با مغز خجسته» است تا بشود با آنها «حرف زد» سومین احتمال در مورد طرف آمریکایی ها برای حرف زدن، ویژه زمانی است که تحرک آمریکایی ها نظام جمهوری اسلامی را دچار تحولات سیاسی کرده باشد. اگر تحرک آمریکایی ها با احتمال آن به برقراری حلق فوق العاده تعیین کننده ای در ایران بینجامد، جابجایی های تعیین کننده ای رانیز به دنبال خواهد آورد که ساختارها تغییر می دهد. در آن هنگام، چه آمریکا بایران درگیر شده باشد و چه هنوز فقط برایش رانشان دهد، گروه دیگری برای نشستن در مقابل آمریکایی ها فراهم خواهد آمد. این گروه با وجود شجاعت فوق العاده ای که امروزه به نمایش می گذارند، در آن هنگام تنها طرف باقیمانده مذاکره خواهد بود و می توان نو مذاکره آن را نوع مذاکرات افسران مذاکره کننده ارتش های شکست خورده دانست. اینکه آمریکایی ها علاقه مند به رویارویی و گفت و گو با کادامیک از این سه گروه هستند، البته این پند نشان خواهد داد. قدر مسلم این است که چون نظام آنها حداقل به اندازه یک تیرانوساوت عقل دارد، تلاش خواهد کرد ضعیف ترین بخش را در مقابل خود بشانند که نه همیشگی به دلخواه دایسوار باشند و نه عقلش فراتر از عقل خجسته